

# علم أصول الفقه

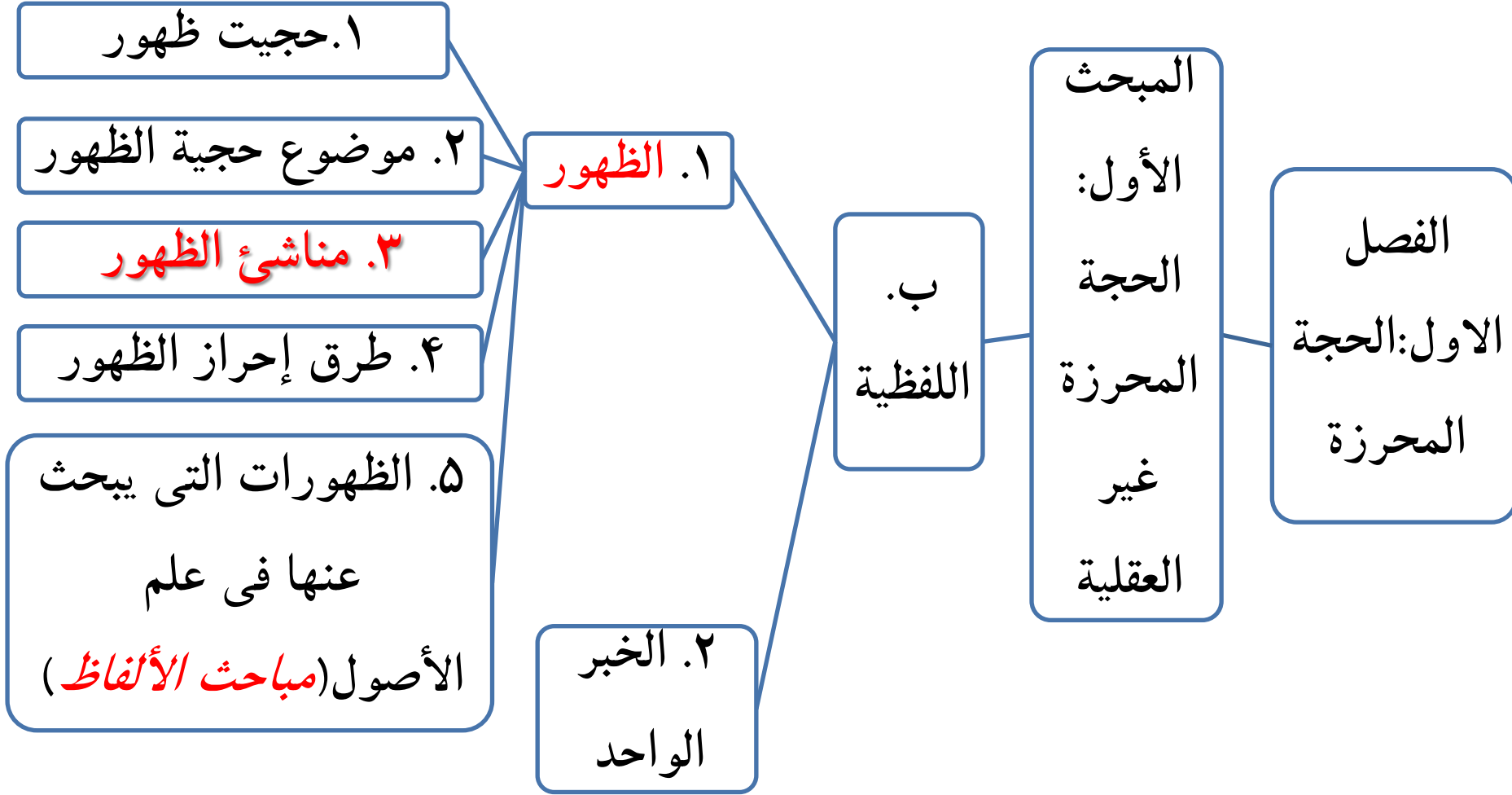
٧٨

٢٣-١-٩٤ ظهور

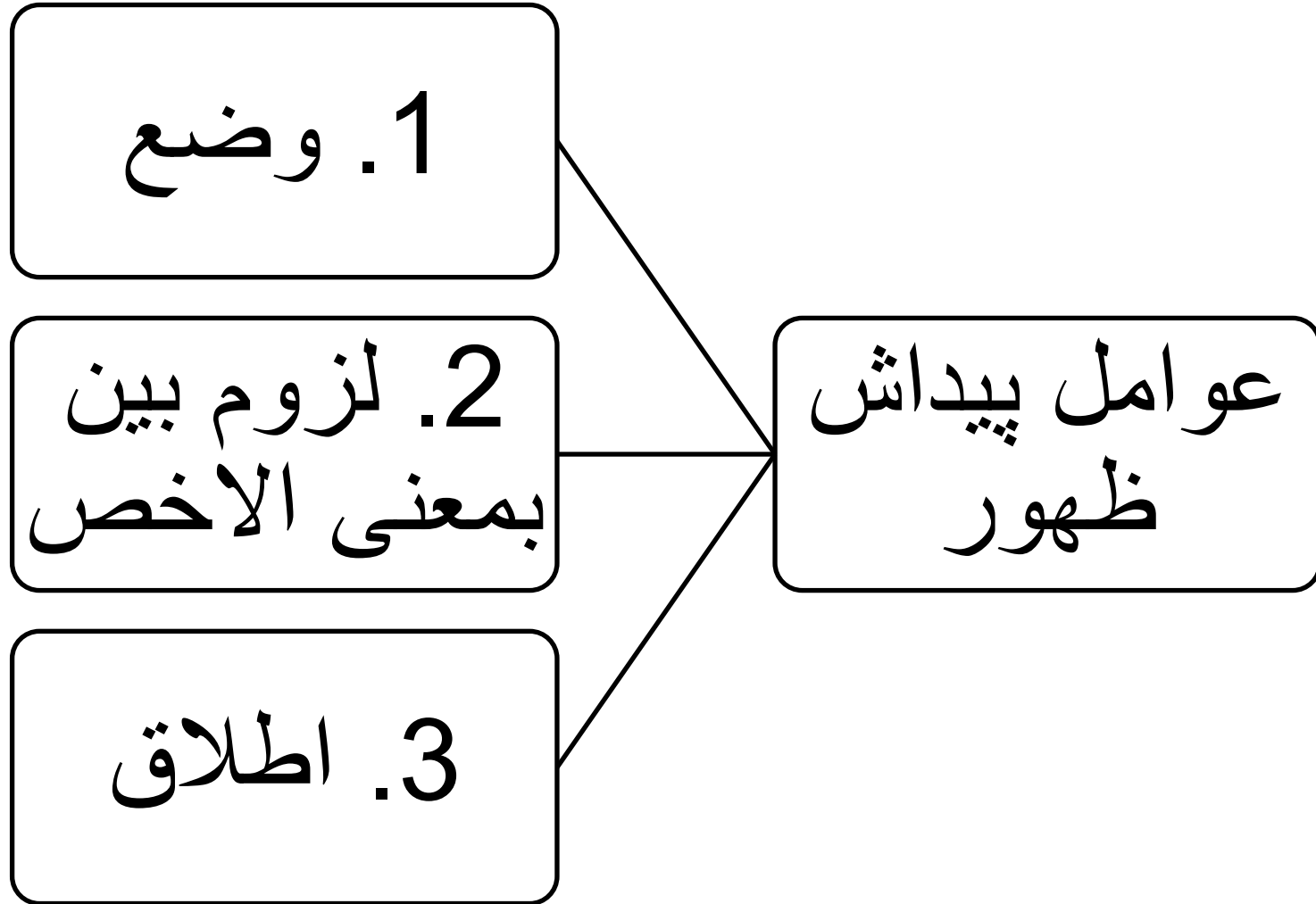
دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

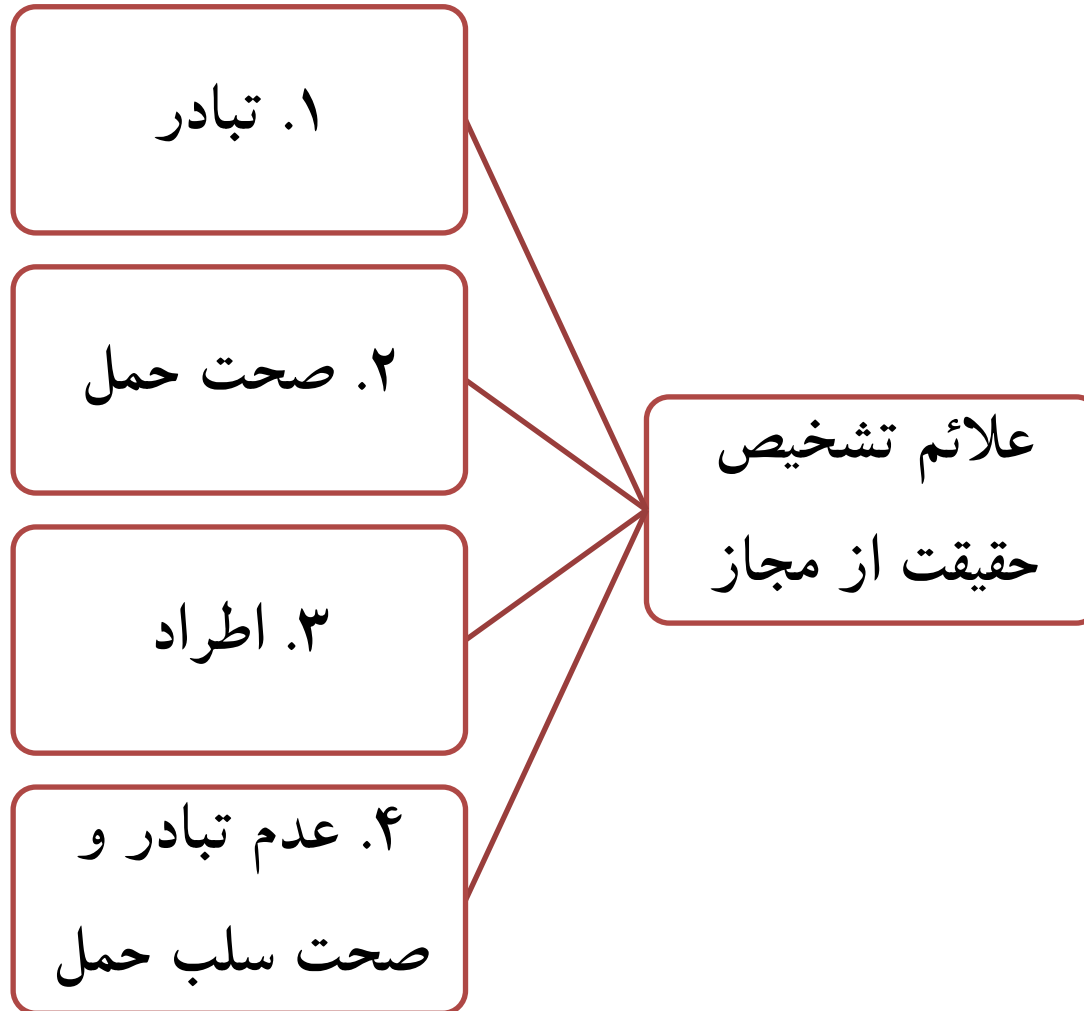
- وَ إِذَا مَسَّكُمْ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَيْهِ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا (٦٧)
- أ فَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلاً (٦٨)
- أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا (٦٩)

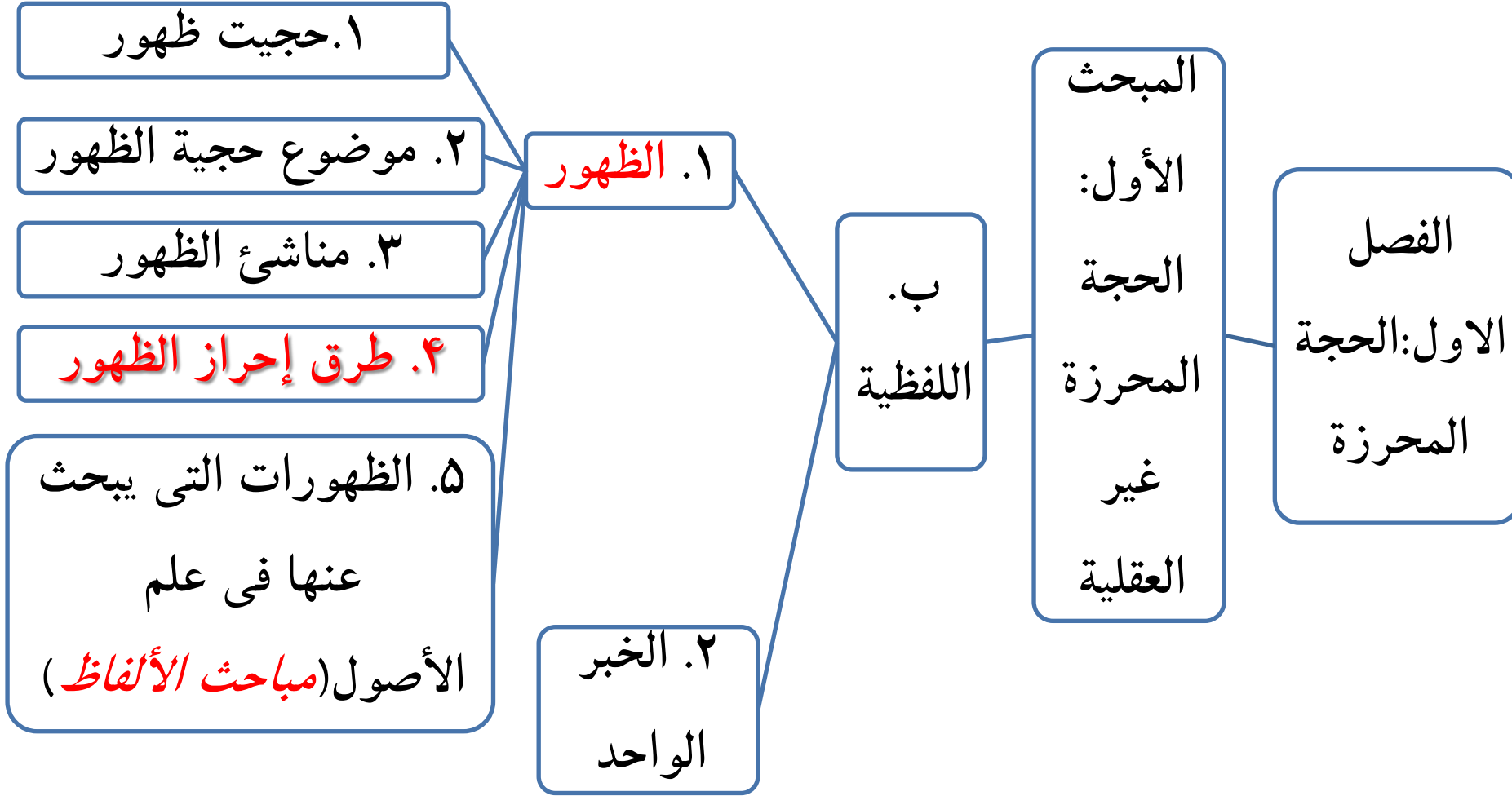


### ٣. مناقشة الظهور: اطلاق

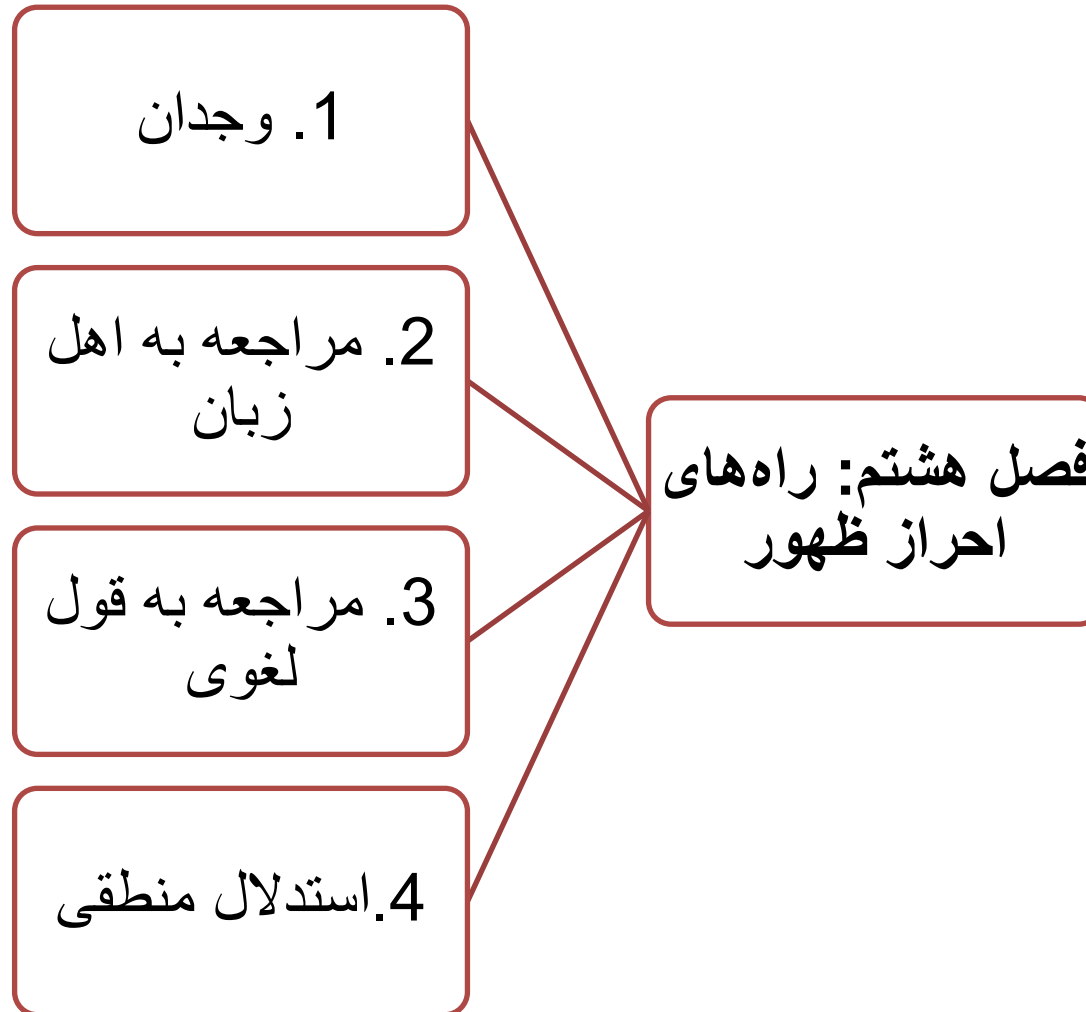


# علائم تشخیص حقیقت از مجاز

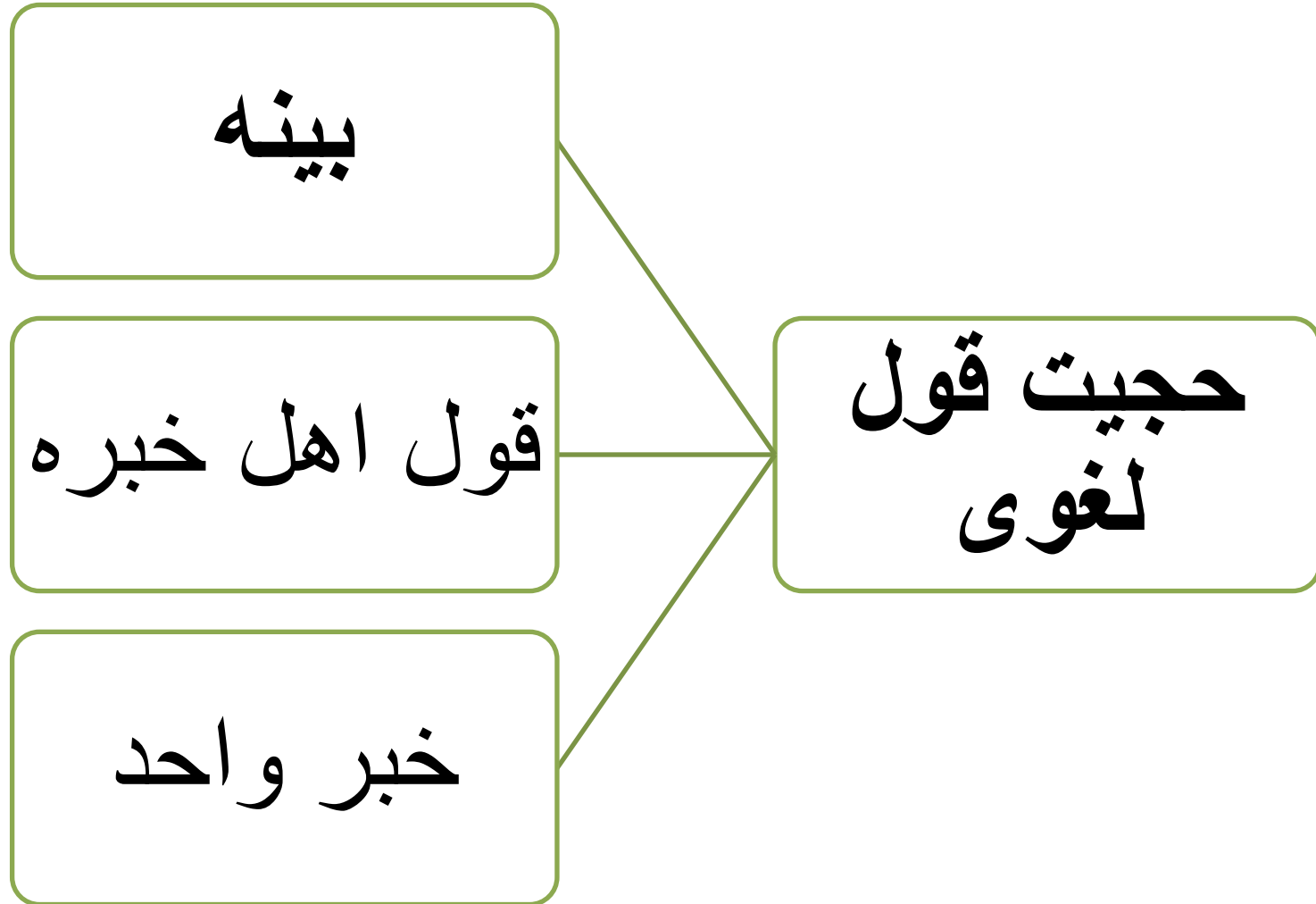




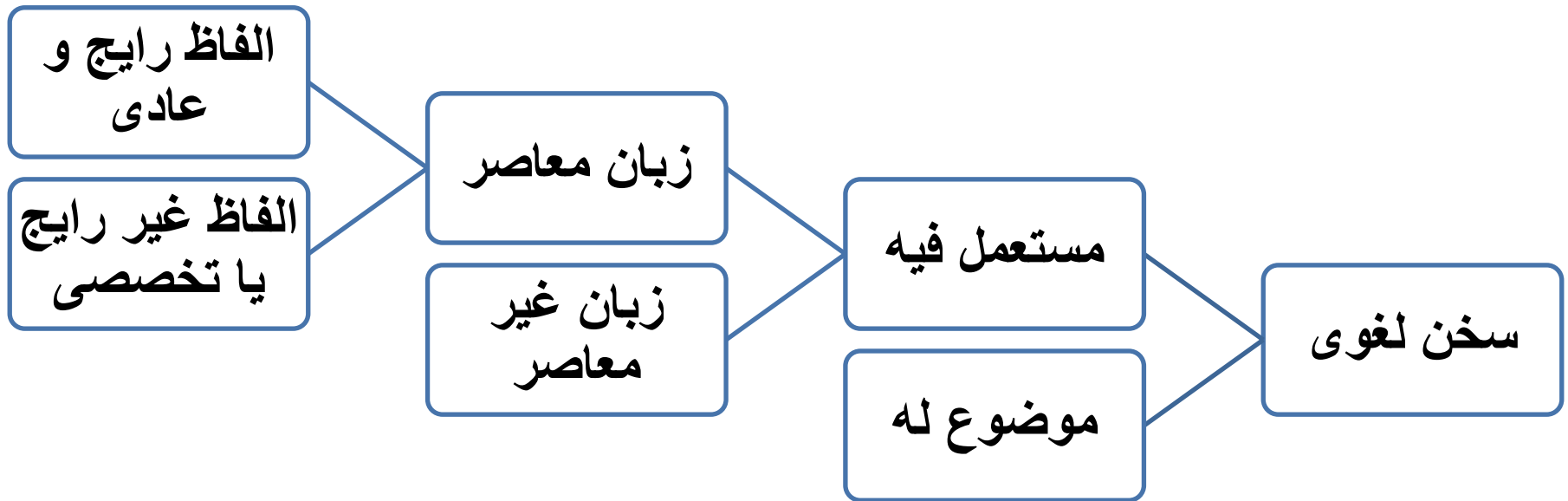
## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

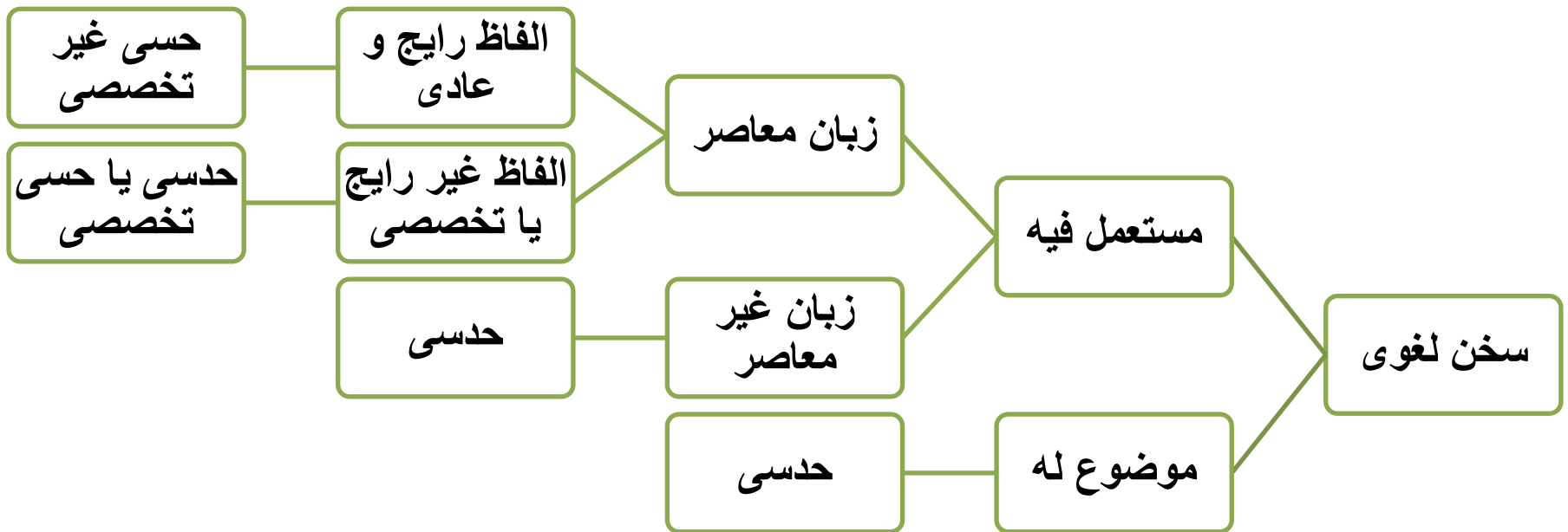


## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

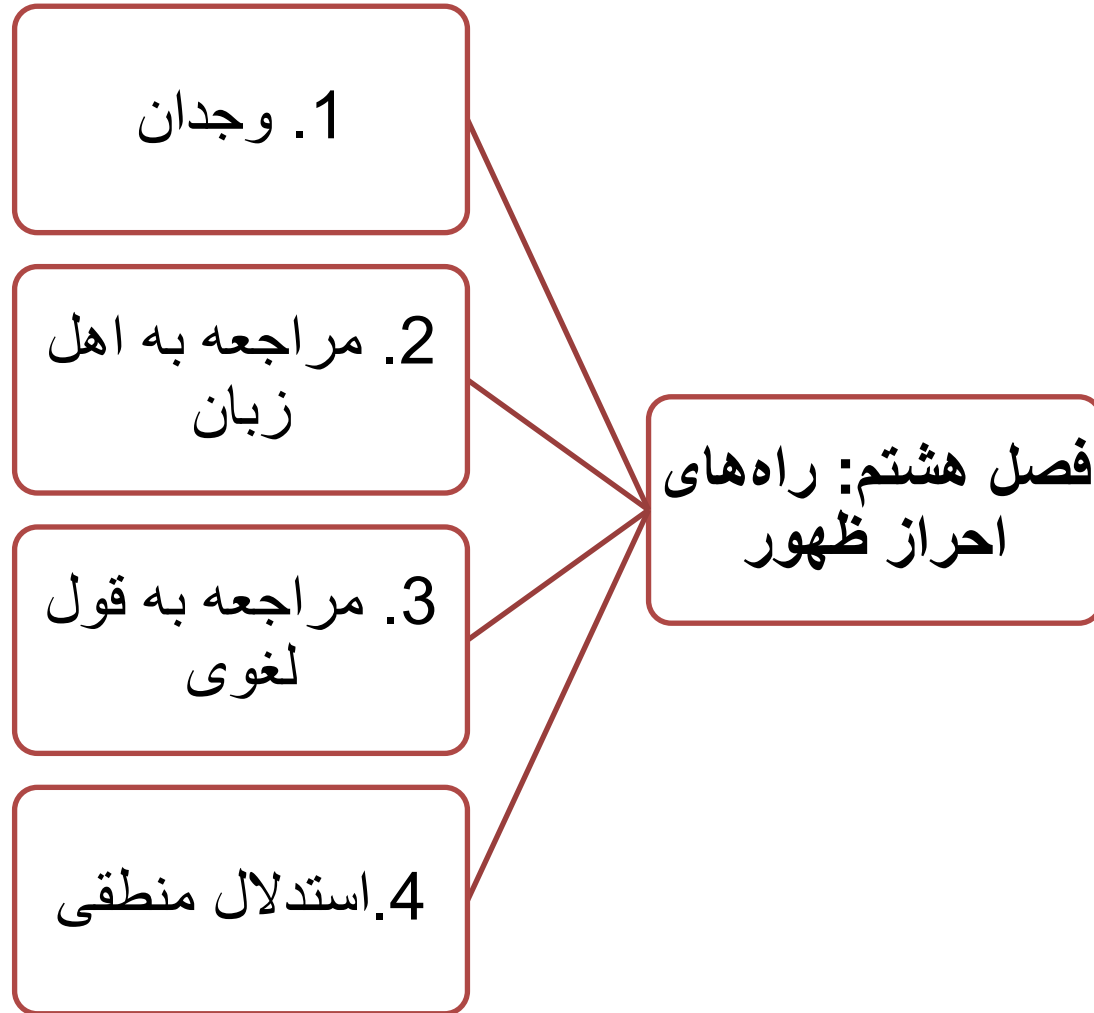








## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- بازگشت به بحث تبادل و صحت حمل

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- از همین جا به سؤالی که قبلاً مطرح شد، برمی‌گردیم و سؤال این بود که:
- وقتی به اهل زبان مراجعه می‌کنیم و از آنها سؤال می‌کنیم که این لفظ برای چه معنایی وضع شده است یا برای چه معنایی استعمال شده است، چه مقدار قول آنها برای ما حجت است؟

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اگر آن چیزی را که اهل زبان برای ما بیان می‌کنند، امر حسی باشد و نیازمند تخصص نباشد؛ یعنی برای هر کسی که در آن زبان تکلم می‌کند و با آن زبان آشنایی دارد، این مطلب به سادگی دریافت می‌کند، در این صورت قول شخص از باب خبر واحد برای ما حجت خواهد بود؛

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مثلاً به یک اهل زبان که ثقه هم است مراجعه کنم و از او بپرسم که در این زبان لفظ پنجره برای چه به کار می‌رود و او بگوید به فلان چیز می‌گویند پنجره.
- در اینجا وی در حقیقت مستعمل فیه را برای من بیان می‌کند و این مقدار از تشخیص مستعمل فیه نیازمند تخصص نیست و یک امری است که هر آشنای با زبان فارسی این را می‌داند؛

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اما اگر از او سؤال کردم که متبادر از لفظ مثلاً فرش برای تو چیست، بگوید فلان.
- این اولین معنایی به ذهن وی می‌آید، خودش یک امر حسی است و جزء محسوسات باطنی به حساب می‌آید.
- در حقیقت ما با مراجعه به ذهن خود و جستجو در تصورات خود می‌توانیم نسبت به آن معنا علم پیدا کنیم.
- بنابراین در حوزه تبادر سخن اهل زبان از باب خبر واحد حجت خواهد بود؛ چون از چیزی خبر می‌دهد که برای او محسوس است و این مقدار هم امری نیست که نیازمند تخصص باشد.



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اما بحث صحت حمل نیازمند تخصص است.
- اصل تشخیص حمل و از آن مهم‌تر تشخیص اینکه این حمل، شایع است یا حمل اولی کار تخصصی است و به بیش از معلومات عمومی نیاز دارد.
- بنابراین نمی‌توانیم به هر اهل زبانی مراجعه کنیم و از او سؤال کنیم که آیا این معنا بر این لفظ حمل می‌شود یا این حمل، اولی یا شایع.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- البته ممکن است بگوییم این حوزه هم نیازمند تخصص نیست به این بیان که ممکن است از عوام پرسیم که این حمل چه حملی است و او نتواند معنای جمله ما و اصطلاح به کار رفته در آن را بفهمد؛ ولی وقتی که محتوای این جمله را به آن بگوییم، آن را درک کند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- همچنان که در باب تبادل اگر به او بگوییم وقتی متبادر از این لفظ چیست، درک نمی‌کند؛ ولی اگر بگوییم هنگام تصور این لفظ، اولین معنایی که به ذهنت می‌آید، چیست، مقصود ما را درک کند؛ برای مثال اگر به یک نفر اهل زبان گفته شود در «زید قائم» آیا معنای زید همان معنای ایستاده بودن است، به روشنی می‌گوید نه. در حقیقت او این را می‌فهمد که این دو در مصداق یکی هستند نه در مفهوم؛ هرچند اصطلاح حمل شایع و اولی را نمی‌فهمد.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- بنابراین حتی قابل حمل بودن و حتی نوع حمل می‌تواند بدون نیاز به تخصص دریابد. این هم بدان سبب است که حمل یک امر وجدانی و ذهنی است و از محسوسات باطنی ما است.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اساساً در منطق می‌گوییم منطقی همان کاری را که عقلا به وجدان عقلایی خودشان در زندگی عادی انجام می‌دهند، تحلیل می‌کند و از این طریق دستورات حاکم در تفکر و اندیشیدن انسان را کشف می‌کند؛ به عبارت دیگر منطقی که در مقام وضع چیزی نیست، بلکه در مقام کشف است. حمل هم از همین احکام وجدانی عقلائی است.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مراجعة متخصص به متخصص
- یک بحث کلی وجود دارد که آیا شخص متخصص در زمینه‌ای که تخصص دارد می‌تواند به تخصص فرد دیگری مراجعه کند؟
- مشهور در بحث اجتهاد و تقلید می‌گویند مجتهد که خودش متخصص در فقه است، نمی‌تواند به یک فقیه دیگری مراجعه کند و به استناد فتوای او عمل کند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- همچنین این بحث در مراجعه فقیه به لغوی نیست نیز مطرح می‌شود. مقصود این نیست که مجتهد متخصص در فقه است و لغوی، متخصص در لغت و مراجعه به متخصص دانش به متخصص دانش دیگر جایز نیست، بلکه مقصود این است که تخصص مجتهد شامل تخصص در لغت هم باشد و از این باب که خودش متخصص لغت است، آیا می‌تواند به لغوی به یک متخصص لغت مراجعه کند؟

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

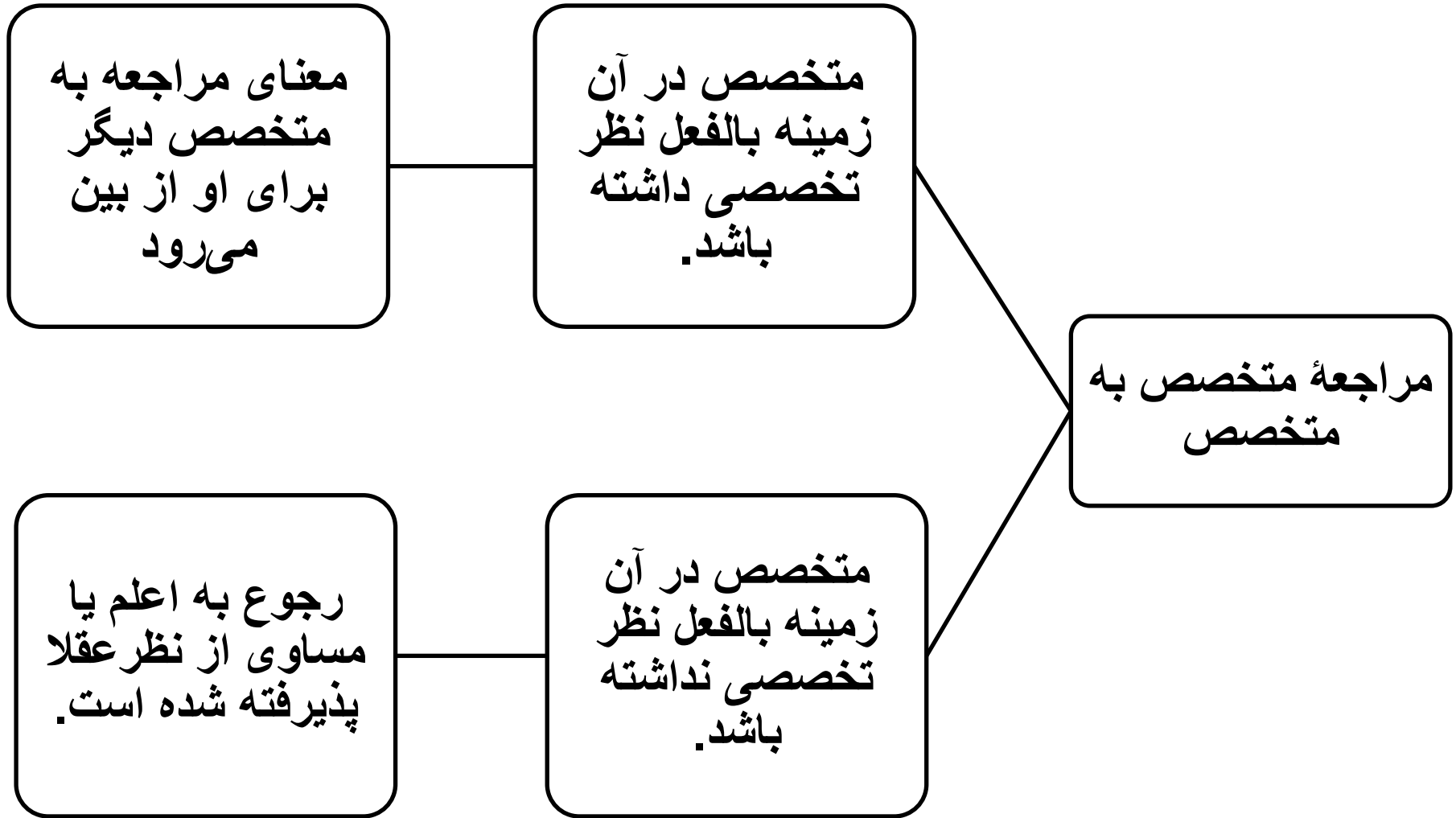
- پاسخ این سؤال به تحلیل رفتار عقلا برمی‌گردد؛ چون مراجعه به متخصص در امور تخصصی یک بحث عقلایی است.



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مراجعة متخصص به متخصص
  - متخصص در آن زمینه بالفعل نظر تخصصی داشته باشد.
  - معنای مراجعه به متخصص دیگر برای او از بین می‌رود
  - متخصص در آن زمینه بالفعل نظر تخصصی نداشته باشد.
  - رجوع به اعلم یا مساوی از نظر عقلا پذیرفته شده است.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اگر متخصص مورد نظر در آن زمینه بالفعل نظر تخصصی داشته باشد، اصلاً معنای مراجعه به متخصص دیگر برای او از بین می‌رود؛ مثلاً پزشکی که خودش متخصص چشم است و چشمش ناراحت است، خودش با توجه به علائم و نشانه‌هایی که می‌بینید تشخیص داده است که ناراحتی چشمش مثلاً آب‌مروارید است.
- دیگر معنا ندارد به یک چشم‌پزشک دیگری مراجعه کند او الآن تشخیص داده است و هرگونه تشخیص خلاف این را باطل می‌داند.
- بنابراین نمی‌تواند مراجعه کند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- فرض دیگر این است که این متخصص بالفعل نظر تخصصی ندارد؛ ولی اگر بخواهد می‌تواند جستجو کند و نظر بالفعل پیدا کند.
- این مراجعه او در جایی که تخصص یکی از دیگری بالاتر باشد، بیشتر محل بحث است.
- هر دو متخصص چشم هستند؛ ولی یکی در تخصص چشم مهارت بیشتری دارد و به اصطلاح اعلم است.
- آیا عقلاً به این متخصص اجازه می‌دهند که به فرد متخصص‌تر (اعلم) مراجعه کند؟

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در بحث فقه و اجتهاد هم همین مطرح است به این معنا که مجتهد می‌تواند به اعلم مراجعه کند و لازم نیست خودش اجتهاد کند یا می‌تواند به مساوی با خودش مراجعه کند؟

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ما می‌گوییم هیچ منع عقلائی در این رجوع وجود ندارد، بلکه اصلاً عقلائی همین مراجعه است؛ البته به شرطی که یقین به بطلان نظر یا مقدمات نظر آن شخص دیگر نداشته باشد.
- بنابراین حتی اگر ما به اندازه لغوی هم متخصص باشیم، می‌توانیم به لغوی مراجعه کنیم.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مشهور فقها در بحث رجوع فقیه به فقیه دیگر گفته‌اند مجتهد در هیچ یک از این دو فرض نمی‌تواند به مجتهد دیگری مراجعه کند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ما می‌گوییم اگر مجتهد به یک نظری رسیده است؛ یعنی به مسأله اطمینان یا یقین پیدا کرده است، اصلاً تقلید در آن مسأله معنای خودش را از دست می‌دهد؛ چون او یقین دارد که مسأله حکمش فلان است. بنابراین حقیقت معیار در این بحث برخلاف نظر مشهور داشتن قوه استنباط نیست، بلکه معیار، فعلیت استنباط است. آن چیزی که مانع از تقلید است فعلیت استنباط است نه قوه استنباط.



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اساساً چنین چیزی که مشهور می‌گویند، ممکن نیست؛ چون هر چند حصول اجتهاد تدریجی است، احراز آن یک‌باره حاصل می‌شود؛ یعنی آنی معلوم می‌شود که شخص مجتهد شده است. حال تصور کنید به آن فرد که تازه اجتهادش معلوم شده بگوییم که از امروز تقلید بر تو حرام است. همان لحظه با تعداد بسیار زیادی مسأله مواجه می‌شود که باید در این مسائل بلافاصله نظر بدهد در حالی که وی نمی‌تواند همه را جواب بدهد و به وقت نیاز دارد.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- آنگاه فقها می‌گویند تا بالفعل در آن مسائل اجتهاد نکرده است، باید احتیاط کند و می‌داند احتیاط مجتهد غیر از احتیاط مقلد است. احتیاط مقلد این است که در بین نظرات چند مجتهد که احتمالاً اعلم هستند، جمع کند و احتیاط مقلد این است که کاری کند که به رأی آن چند نفر عمل کرده باشد بخلاف احتیاط مجتهد که تام است؛ یعنی یک کاری را باید کند که حکم در عالم واقع هر چه باشد بدان عمل کرده باشد و این در خیلی از جاها میسر نیست و در بسیاری موارد هم مشکل می‌شود و عقلائی نیست.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- به نظر ما عقلا می‌گویند این فرد می‌تواند به متخصص مساوی یا اعلم نسبت خودش مراجعه کند و مشکل حل می‌شود.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- برای مثال فرض کنید که مجتهدی در زمان مرحوم آقای خوئی رضوان الله علیه در مسأله ای اجتهاد نکرده و می‌خواهد به فتوای آقای خوئی رضوان الله علیه مراجعه کند؛ ولی یقین ندارد فتوای ایشان درست است یا نادرست؛ البته می‌داند که مستند فتوای آقای خوئی - رضوان الله علیه - یک روایتی است که بر اساس مبانی ایشان صحیح است؛ مثلاً آقای خوئی رضوان الله علیه قائل بودند هر راوی که نامش در سلسله اسناد کامل الزیارات آمده است، ثقة است.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در اواخر عمرشان از این مبنا رجوع کردند. حال بر اساس آن مبنا آقای خوئی رضوان الله علیه یک روایت را قبول کردند و طبق آن روایت فتوا دادند. در اینجا مجتهد یقین ندارد این فتوا مطابق با واقع است یا نه؛ اما نسبت به بطلان این مبنا یقین دارد. در اینجا هم نمی‌تواند تقلید کند؛ اما اگر این آقا نمی‌داند که آن فتوا مطابق با واقع است یا نه و نمی‌داند که آیا مبتنی بر مبانی است که از نظر وی به یقین باطل است، می‌تواند تقلید کند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ما در جای خودش می‌گوییم ادلة تقلید چیزی جزء بیان همین امر عقلایی یعنی رجوع به اهل خبره نیست نیست و شارع در حوزه تقلید تأسیس خاصی نکرده است. فهم دین هم یک امری است که به تخصص احتیاج دارد و کسی که در این زمینه تخصص ندارد، باید به متخصص دین شناس مراجعه کند و تقلید مخصوص به فروع عملی نیست، بلکه علاوه بر فروع عملی، در زمینه فروع اعتقادی و اخلاقی می‌توان تقلید کرد. فقط اصول دین تقلیدی نیست.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- به همین دلیل در اجازه‌های اجتهاد معمولاً نمی‌نویسند که این آقا مجتهد است، بلکه می‌نویسند از امروز تقلید برای ایشان حرام است.
- آیا واقعاً مجتهدان لغت شناس هستند یا نه؟ شکی نیست که یک سطحی از لغت شناسی برای اجتهاد لازم است؛ ولی بدان معنا نیست که یک مجتهد ضرورتاً لغت شناس هم است؛ مثل اینکه مجتهد باید یک سطحی از منطق را بلد باشد؛ اما بدان معنا نیست که مجتهد باید در منطق در حد متخصصان برجسته منطق، تخصص داشته باشد.
- الخوئی، السید ابو القاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۰.